

کوتاه ایجاد می‌کند؟

سیمرغ اعتبار مهمی است و نمی‌شود ارزش آن را انکار کرد، اما تصور اینکه دریافت سیمرغ همه مشکلات را حل می‌کند، واقع‌بینانه نیست. من بعد از دریافت سیمرغ هم برای ساخت فیلم بلند با همان چالش‌های همیشگی روبه‌رو بودم. این جایزه باعث دیده شدن بیشتر می‌شود، اما لزوماً مسیر تولید اثر بعدی را هموار نمی‌کند.

حالا که «دایر» در هاشور اکران آنلاین شده، فکر می‌کنید تجربه تماشای این فیلم روی صفحه کوچک چه چیزهایی را از آن کم یا به آن اضافه می‌کند؟

طبیعی است که بخشی از کیفیت بصری فیلم روی صفحه موبایل یا نمایشگرهای کوچک از دست می‌رود. تصاویر آرمان فیاض روی پرده سینما جلوه دیگری داشت. با این حال در شرایط فعلی همین امکان اکران آنلاین هم غنیمت است، چون دست کم باعث می‌شود فیلم به مخاطبان بیشتری برسد. البته هنوز معتقدم تجربه تماشای «دایر» روی پرده سینما چیز دیگری بود.

و در پایان؟

امیدوارم سینمای کوتاه بیش از گذشته جدی گرفته شود. این مدیوم فقط سکوی پرتاب به سینمای بلند نیست؛ خودش یک هنر مستقل و مهم است. اگر حمایت‌های ساختاری و فرهنگی بیشتری وجود داشته باشد، می‌توانیم شاهد ظهور استعدادهای تازه و شکل‌گیری جریان‌های خلاق تری در سینمای ایران باشیم. از شما هم بابت سوال‌های دقیق و حرفه‌ای‌تان تشکر می‌کنم.



محمد نوری، کارگردان فیلم کوتاه «برنو»

برنو، بخشی از هویت مردانه در برخی فرهنگ‌هاست

فیلم کوتاه «برنو» از دل یک جغرافیا و فرهنگ بومی برمی‌آید، اما دغدغه‌اش فراتر از یک روایت محلی است، محمد نوری در این اثر با تکیه بر یکی از شناخته‌شده‌ترین نمادهای فرهنگ بختیاری، به سراغ سنت‌ها، باورها و مناسباتی رفته که گاه بیش از خود آدم‌ها بر سرنوشتشان تأثیر می‌گذارند. او معتقد است برخی آیین‌ها و باورهای موروثی، در کنار کارکردهای فرهنگی و هویتی خود، می‌توانند زمینساز سوتفاقم‌ها و بحران‌هایی شوند که نسل به نسل ادامه پیدا می‌کنند.

در «برنو» به نظر می‌رسد تفنگ فقط یک شیء نیست، بلکه نیرویی است که سرنوشت شخصیت‌ها را هدایت می‌کند. آیا از ابتدا برنو را به عنوان یک شخصیت پنهان می‌دیدید؟

اساس شکل‌گیری «برنو» بر پایه تصورات و باورهایی شکل گرفت که بخشی از مردم ایران نسبت به این تفنگ داشته‌اند و هنوز هم دارند. در واقع برنو برای بسیاری از مردم صرفاً یک سلاح نبوده، بلکه نوعی شخصیت مستقل پیدا کرده است. ما هم در فیلم از همین ویژگی استفاده کردیم؛ یعنی برنو را تنها به عنوان یک وسیله صحنه ندیدیم، بلکه آن را به عنصری تأثیرگذار در روایت تبدیل کردیم تا بتوانیم درباره برخی باورهای نادرست که طی سال‌ها پیرامون آن شکل گرفته صحبت کنیم و به نوعی در مسیر اصلاح این نگاه‌ها قدم برداریم.

چرا از میان تمام عناصر فرهنگ بختیاری، «تفنگ برنو» تبدیل به مرکز درام شد؟

فرهنگ بختیاری سرشار از آیین‌ها، سنت‌ها و فولکلورهای متنوع و جذاب است، اما آنچه برای ما اهمیت داشت پرداختن به سنت‌هایی بود که سال‌ها بر زندگی خانواده‌ها تأثیر گذاشته‌اند. به واسطه سال‌ها حضور در میان عشایر بختیاری و فعالیت مستندسازی، از نزدیک با این فرهنگ زندگی کرده‌ام و به همین دلیل متوجه شدم که ورود تفنگ برنو در کنار تمام کارکردهای مثبتی که برای این قوم داشته، زمینساز شکل‌گیری برخی باورها و سنت‌های نادرست نیز شده است؛ سنت‌هایی که تبعات آنها هنوز هم در زندگی بعضی خانواده‌ها دیده می‌شود و همین موضوع برای ما جذابیت دراماتیک داشت.

آیا می‌توان گفت در فیلم، خشونت از انسان‌ها نمی‌آید بلکه از سنتی می‌آید که پیش از آنها وجود داشته است؟

به نظرم این نگاه تا حد زیادی درست است. بسیاری از باورها و رفتارهای ما محصول سنت‌ها هستند که از نسل‌های گذشته

به ما منتقل شده‌اند. طبیعتاً همه این باورها بر پایه منطق و شرایط امروز شکل نگرفته‌اند و بعضی از آنها دیگر متناسب با زمانه ما نیستند. در «برنو» هم تلاش کردیم نشان دهیم که گاهی یک سنت یا باور قدیمی می‌تواند بیش از خود افراد در شکل‌گیری خشونت و بحران نقش داشته باشد.

در فیلم، اسلحه بیش از آنکه ابزار دفاع باشد، بخشی از هویت مردانه به نظر می‌رسد. آیا این خوانش را قبول دارید؟

کاملاً. در واقع یکی از مهم‌ترین محورهای فیلم همین موضوع است. برنو در برخی فرهنگ‌ها صرفاً یک ابزار نیست، بلکه بخشی از تعریف مردانگی، اعتبار و هویت اجتماعی محسوب می‌شود. ما دقیقاً می‌خواستیم به همین مسئله بپردازیم و نشان دهیم چگونه یک شیء می‌تواند به بخشی از هویت افراد تبدیل شود و حتی بر تصمیم‌ها و روابط آنها تأثیر بگذارد.

فیلم از یک موقعیت بسیار محدود به تنشی گسترده می‌رسد، مهم‌ترین چالش حفظ تعلیق در چنین ساختاری چه بود؟

مهم‌ترین چالش در مرحله فیلمنامه این بود که مخاطب بپذیرد چرا شخصیت‌ها تا آن لحظه در باره این مسئله صحبت نکرده‌اند و چگونه تازه در همان شب با این بحران مواجه می‌شوند. ما سعی کردیم این مسئله را از طریق فراموشی پسر یا ترس او از بیان حقیقت توجیه کنیم. اما در اجرا و فرم کار دشوارتر بود، چون باید موضوعی حساس را بدون قضاوت مستقیم و در زمانی کوتاه روایت می‌کردیم و در عین حال تعلیق را نیز حفظ می‌کردیم.

آیا در طراحی میزانشان‌ها بیشتر به واقعیت زندگی عشایری فکر می‌کردید یا به ظرفیت نمادین فضاها؟

هر دو برای ما اهمیت داشت. متأسفانه امکان فیلمبرداری در همان لوکیشن اصلی و در کنار خانواده‌های بختیاری برایمان فراهم نشد و ناچار شدیم بخشی از فضا را در تهران بازسازی کنیم. با این حال تلاش کردیم هم به واقعیت زیست عشایری وفادار بمانیم و هم از ظرفیت‌های نمادین فضا برای تقویت روایت بهره ببریم.

بسیاری از فیلم‌های کوتاه ایرانی به سمت آپارتمان‌ها و فضاهای شهری رفته‌اند. چرا شما سراغ جغرافیا و فرهنگ بومی رفتید؟

فکر می‌کنم اساساً نباید این موضوع را به شکل محدود و منطقه‌ای نگاه کرد. همه فرهنگ‌های محلی بخشی از سینمای ایران هستند. وقتی از سینمای ایران صحبت می‌کنیم، درباره تمام جغرافیای کشور حرف می‌زنیم، نه فقط چند شهر بزرگ. بنابراین روایت یک فرهنگ بومی الزاماً به معنای ساخت فیلم برای جشنواره‌های محلی یا منطقه‌ای نیست. فیلمساز از هر جایی که زیست کرده و آن را می‌شناسد می‌تواند داستان استخراج کند. این حق طبیعی هر فیلمساز است.

آیا نگران نبودید که مخاطب غیر بختیاری بخشی از لایه‌های فیلم را از دست بدهد؟

این نگرانی را تا آخرین روزهای تولید داشتیم. حتی در مرحله پیش‌تولید بارها درباره آن صحبت کردیم. برای همین تلاش کردیم بعضی دیالوگ‌ها و توضیحات را ساده‌تر کنیم تا مخاطب بتواند با موقعیت همراه شود. بعد از نمایش فیلم هم همچنان این نگرانی را داشتیم، اما خوشبختانه واکنش‌ها نشان داد که بخش بزرگی از مخاطبان با داستان ارتباط برقرار کرده‌اند. حتی کسانی که پیش‌زمینه دقیقی از این سنت نداشتند، توانستند موقعیت را درک کنند و با آن همراه شوند.

برخی معتقدند وقتی یک فیلم بر پایه آیین‌ها و سنت‌های محلی ساخته می‌شود، خطر مانیتیک کردن یا حتی موزه‌ای کردن آن فرهنگ وجود دارد. شما چگونه از این دام فاصله گرفتید؟

این خطر کاملاً وجود دارد. اتفاقاً یکی از ایرادهایی که گاهی به بعضی فیلم‌ها و سریال‌ها وارد می‌شود همین است که فرهنگ‌های محلی را بیش از حد تمیز، تزئینی و فانتزی نمایش می‌دهند. من به واسطه سال‌ها حضور میدانی در میان عشایر و تجربه مستندسازی تلاش کردم تا حد امکان به واقعیت نزدیک بمانم. طبیعتاً سینما نیازمند طراحی و چیدمان است، اما مهم این است که این طراحی از دل شناخت واقعی بیرون بیاید. حتی در طراحی گرم، لباس و ظاهر شخصیت‌ها نیز سعی کردیم از اغراق فاصله بگیریم تا مخاطب با آدم‌های فیلم احساس نزدیکی بیشتری داشته باشد و جهان اثر برایش باورپذیر بماند.

«برنو» بعد از موفقیت در جشنواره فجر حالا وارد اکران آنلاین شده؛ برای شما اعتبار جشنواره مهم‌تر است یا مواجهه مستقیم با مخاطبی که خارج از فضای سینمایی فیلم را می‌بیند؟

واقعیت این

است که در سینمای کوتاه جشنواره‌ها همچنان اهمیت بسیار زیادی دارند، چون هنوز چرخه اکران گسترده و پایداری برای فیلم کوتاه وجود ندارد. جشنواره‌ها نخستین فرصت دیده شدن فیلم هستند و می‌توانند مسیر حرفه‌ای یک اثر را تعیین کنند. با این حال تجربه نمایش «برنو» در گروه هنر و تجربه و دیدار مستقیم با مخاطبان برای من بسیار ارزشمند بود. ما در شهرهای مختلف با تماشاگران صحبت کردیم و بازخوردهای متنوعی گرفتیم؛ از مخاطبان حرفه‌ای گرفته تا کسانی که صرفاً برای دیدن یک فیلم به سینما آمده بودند. اکران آنلاین هم فرصت مهمی است، چون دامنه مخاطبان را گسترده‌تر می‌کند. شاید بازگشت مالی چندانی برای فیلم کوتاه نداشته باشد، اما برای فیلمساز مهم است که اثرش دیده شود. به‌خصوص وقتی فیلم در قالب بسته‌ای از آثار برگزیده و سیمرغ گرفته‌عرضه می‌شود، طبیعتاً توجه بیشتری را جلب می‌کند و این اتفاق می‌تواند به دیده شدن بیشتر فیلم و فیلمساز کمک کند.

صحبت پایانی؟

همیشه اعتقاد داشته‌ام که فیلم کوتاه باید بتواند در کنار تجربه‌گرایی، برای مخاطب نیز جذاب باشد. در «برنو» تلاش کردیم از دل یک سنت و یک موقعیت بومی، داستانی انسانی و قابل لمس روایت کنیم؛ داستانی که مخاطب صرفاً نظر از جغرافیا و پیشینه فرهنگی‌اش نتواند ارتباط برقرار کند. امیدوارم کسانی که امروز فیلم را در اکران آنلاین می‌بینند، با جهان اثر همراه شوند و از تماشای آن لذت ببرند.



محمد علیزاده‌فرد، کارگردان فیلم کوتاه «شریف»

«شریف» درباره ترس انسان از ناشناخته‌ترین حقیقت زندگی است

فیلم کوتاه «شریف» با روایت مردی خاموش و رازآلود، مخاطب را به دل مفاهیمی چون مرگ، آگاهی، قضاوت جمعی و ترس از ناشناخته‌ها می‌برد. محمد علیزاده‌فرد در این فیلم تلاش کرده میان واقعیت و امر ماورایی تعادلی ظریف ایجاد کند و از خلال واکنش آدم‌ها به یک پدیده نامتعارف، تصویری از جامعه و مناسبات انسانی ارائه دهد.

«شریف» بیش از آنکه درباره مرگ باشد، درباره انتظار مرگ است. آیا برای شما ترس از واقعه مهم‌تر بود یا خود واقعه؟

مرگ همیشه یکی از ناشناخته‌ترین مسائل برای انسان بوده است. طبیعتاً است که انسان نسبت به چیزی که نمی‌شناسد و هیچ تسلطی بر آن ندارد احساس ترس و واهمه کند. در «شریف» نیز بیشتر از خود مرگ، واکنش آدم‌ها نسبت به آن برای ما اهمیت داشت. در واقع تلاش کردیم بینیم افراد مختلف وقتی با نشانه‌ای از مرگ یا آگاهی نسبت به آن مواجه می‌شوند، چه رفتاری از خود بروز می‌دهند و چگونه این ترس در زندگی و تصمیم‌هایشان اثر می‌گذارد.

در فیلم هیچ‌وقت معلوم نمی‌شود شریف واقعا قدرت پیشگویی دارد یا قربانی ذهنیت جمعی روستاست. چرا تصمیم گرفتید این پاسخ را به مخاطب ندهید؟

شریف به نوعی مرگ‌گناه دارد، اما اینکه این توانایی دقیقاً از کجا آمده یا چگونه شکل گرفته، موضوع اصلی فیلم نبود. در فیلم کوتاه ناچار هستیم روی مهم‌ترین بخش‌های روایت تمرکز کنیم و وارد توضیحاتی نشویم که مسیر داستان را از هدف اصلی دور می‌کند. آنچه برای ما اهمیت داشت واکنش مردم روستا نسبت به شریف و توانایی او بود. به همین دلیل ترجیح دادیم منشأ این توانایی در حاله‌ای از ابهام باقی بماند و مخاطب بیشتر با تأثیر آن بر جامعه اطراف شخصیت مواجه شود.

آیا «شریف» را می‌توان فیلمی درباره ساز و کار شکل‌گیری خرافه در یک جامعه دانست یا این خوانش را محدودکننده می‌دانید؟

فکر می‌کنم چنین برداشتی تا حدی فیلم را محدود می‌کند. «شریف» اساساً درباره خرافه نیست. ما با شخصیتی مواجه هستیم که از نوعی توانایی معنوی برخوردار است؛ قابلیتی که نمونه‌های آن را در واقعیت نیز در میان برخی انسان‌های صالح دیده‌ام یا درباره آن شنیده‌ام. بنابراین دغدغه ما بررسی خرافه نبود، بلکه بیشتر به مواجهه انسان‌ها با امری ناشناخته و واکنش‌هایشان نسبت به آن می‌پرداختیم.

فیلم از یک ایده مینی‌مال

به جهان پیچیده‌ای از ترس و تفسیر می‌رسد. سخت‌ترین بخش تبدیل این ایده به درام چه بود؟

بدون تردید دشوارترین بخش کار، پرداخت شخصیت شریف بود. با کاراکتری طرف بودیم که حرف نمی‌زند و مخاطب هم قرار نیست او را از طریق گفت‌وگو یا توضیح مستقیم بشناسد. شناخت شریف از خلال رفتار دیگران و مواجهه مردم روستا با او شکل می‌گیرد. اینکه چنین شخصیتی بتواند در طول فیلم جذاب و تأثیرگذار باقی بماند، مهم‌ترین چالش ما در نگارش و ساخت اثر بود.

چرا شخصیت اصلی را لال انتخاب کردید؟

سکوت شریف فقط یک ویژگی دراماتیک نبود. این سکوت بخشی از معنای فیلم را می‌ساخت. از یک سو به رازآلود بودن شخصیت کمک می‌کرد و از سوی دیگر باعث می‌شد ارتباط او با مردم روستا ناقص و دشوار باشد. اهالی روستا نمی‌توانند پاسخ مستقیمی از او بگیرند و همین مسئله فضای تفسیری، قضاوت و سوءبرداشت را شکل می‌دهد. در نتیجه سکوت شریف یکی از عناصر مهم در پیشبرد جهان فیلم بود.

در فیلم، شریف تقریباً هیچ امکانی برای دفاع از خودش ندارد و دیگران مدام او را تفسیر می‌کنند. آیا او نماینده فردی است که جامعه روایت خودش را بر او تحمیل می‌کند؟

بله، تا حد زیادی چنین است. همه ما در زندگی با افرادی مواجه شده‌ایم که جامعه نسبت به آن‌ها قضاوت درستی نداشته است. گاهی همین قضاوت‌های اشتباه باعث انزوا و طرد شدن آن افراد می‌شود و جامعه نیز از ظرفیت‌ها و ویژگی‌های مثبت آن‌ها محروم می‌ماند. شریف برای من نماینده همین آدم‌هاست؛ کسانی که دیگران درباره آن‌ها تصمیم می‌گیرند و روایت خودشان را بر زندگی آن‌ها تحمیل می‌کنند.

آیا نعدم داشتید که مخاطب هیچ‌گاه نتواند کاملاً به شریف نزدیک شود و او را بفهمد؟

بله، از ابتدا می‌خواستیم شریف شخصیتی رازآلود باقی بماند. اما در عین حال تلاش کردیم این رازآلودگی باعث فاصله گرفتن مخاطب از او نشود. هدف ما این بود که تماشاگر در پایان فیلم همچنان احساس همدلی و نزدیکی با شریف داشته باشد و بتواند نسبت به سرنوشت او واکنش عاطفی نشان دهد.

روستای فیلم صرفاً لوکیشن است یا شخصیت مستقلی در فیلم محسوب می‌شود؟

برای من مهم‌تر از خود جغرافیا، مردمی بودند که در آن جغرافیا زندگی می‌کنند. در واقع این اهالی روستا هستند که به مکان معنا می‌دهند. بنابراین روستا صرفاً یک لوکیشن نیست، بلکه مجموعه روابط انسانی موجود در آن است که جهان فیلم را شکل می‌دهد.

چقدر تلاش کردید فضای فیلم میان رئالیسم و افسانه ملق بماند؟

از همان ابتدا به دنبال خلق نوعی رئالیسم جادویی بودیم. شخصاً به سینمای رئالیستی علاقه دارم. اما ترکیب واقعیت روزمره با عناصر ماورایی برایم جذابیت ویژه‌ای دارد. در «شریف» تلاش کردیم این دو فضا در کنار هم قرار بگیرند و مخاطب مدام میان امر واقعی و امر رازآلود در رفت‌وآمد باشد.

دریافت سیمرغ بلورین چه تأثیری بر مسیر حرفه‌ای شما گذاشت؟

قطعا سیمرغ بلورین جشنواره فیلم فجر به عنوان معتبرترین جایزه سینمایی کشور تأثیر مهمی بر مسیر حرفه‌ای من داشته است. بعد از دریافت این جایزه شرایط برای ادامه فعالیت حرفه‌ای و حرکت به سمت ساخت فیلم بلند بسیار هموارتر شد و نگاه نسبت به کار من تغییر کرد.

حالا که «شریف» در اکران آنلاین نیز در دسترس مخاطبان قرار گرفته، فکر می‌کنید وارد مرحله تازه‌ای از مواجهه با مخاطب شده است؟

ما پیش از این تجربه اکران عمومی در گروه هنر و تجربه را داشتیم و خوشبختانه با استقبال خوبی هم مواجه شدیم. اما طبیعتاً اکران آنلاین دامنه مخاطبان را گسترده‌تر می‌کند و این اتفاق برای هر فیلمساز خوشایند است. هرچه تعداد بیشتری از مخاطبان بتوانند اثر را ببینند، فرصت گفت‌وگو و ارتباط با فیلم نیز بیشتر می‌شود.

صحبت پایانی

در «شریف» تلاش کردیم با استفاده از عناصر دراماتیک، داستانی روایت کنیم که در عین سادگی، مخاطب را درگیر پرسش‌هایی انسانی و جهان‌شمول کند. امیدوارم کسانی که فیلم را می‌بینند، بتوانند با جهان آن ارتباط برقرار کنند و تجربه‌ای تأمل‌برانگیز و لذت‌بخش از تماشای آن داشته باشند.

